

تأثیر تسهیلات دریافتی بر سیاست تقسیم سود سهام در بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (صنعت خودرو و ساخت قطعات) با در نظر گرفتن اثر تعدیلی سطح سرمایه گذاری نهادی فعال

علیرضا گرزین

۱ - کارشناس ارشد مدیریت مالی، دانشگاه آزاد علی آباد کتول alireza.gorzin1364@gmail.com

چکیده

شرکت‌ها برای اجرای پروژه‌های سرمایه‌گذاری سودآور در دسترس، تسویه بدهی‌های موعده رسیده، افزایش سرمایه در گردش و پرداخت سود به سهامداران به منابع مالی متعددی دسترسی دارند [۱]. و هدف مدیران مالی یافتن راه‌های تامین منابع مالی برای رسیدن به این هدف است. در این مقاله سه متغیر تسهیلات دریافتی و تغییرات بدهی جاری و خالص جریان وجوه نقد ناشی از دریافت تسهیلات را بر نسبت سود پرداختی (EPS) به سود هر سهم (DPS) با در نظر گرفتن اثر تعدیلی سطح سرمایه‌گذاری نهادی فعال بالا و پایین بین ۳۰ شرکت خودروسازی و ساخت قطعات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال‌های ۱۳۸۷-۱۳۹۲ مورد بررسی قرار دادیم. آزمون فرضیه‌ها از داده‌ها در قالب مدل رگرسیون خطی چند متغیره به روش panel data استفاده و برای انتخاب نوع داده‌ها (ترکیبی و تلفیقی) از آزمون F لیمر و برای بررسی (اثرات ثابت و تصادفی) از آزمون هاسمن (Husman test)، آزمون نرمال بودن خطاها (آزمون جاکر برا) و از آزمون ناهمسانی واریانس از بسته نرم افزاری Eviews استفاده شده است. و نتیجه نشان داد که در متغیرهای تسهیلات دریافتی و تغییرات بدهی جاری با سطح سرمایه‌گذاری نهادی فعال بالا و تغییرات بدهی جاری و خالص جریان وجوه نقد ناشی از دریافت تسهیلات با سطح سرمایه‌گذاری نهادی فعال پایین با نسبت سود پرداختی به سود هر سهم رابطه معناداری وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: تسهیلات دریافتی، تغییرات بدهی جاری، خالص جریان وجوه نقد، سطح سرمایه گذاری نهادی فعال

۱- مقدمه

وظایف اصلی مدیریت مالی، تصمیم‌گیری در ارتباط با تأمین مالی، سرمایه‌گذاری و تقسیم سود است. هر یک از این تصمیمات در رابطه‌ی با هدف شرکت است و تصمیم‌گیری در زمینه‌ی ترکیب مطلوب این سه مورد، حداکثرکننده‌ی ارزش شرکت برای سهامداران است [۲]. این منابع، وجوه نقد حاصل از فعالیت‌های عملیاتی و فروش دارایی‌ها به عنوان منابع درون سازمانی تأمین مالی، استقراض وام بانکی، انتشار اوراق مشارکت و انتشار سهام جدید به عنوان منابع برون سازمانی تأمین مالی را شامل می‌شوند. تصمیم‌گیری صحیح در این خصوص از عوامل اصلی موفقیت شرکت به شمار می‌رود. مهمترین هدفی که مدیریت در زمان انتخاب روش تأمین مالی باید توجه کند، افزایش ثروت سهامداران می‌باشد. یعنی با در نظر گرفتن هزینه هر یک از منابع مختلف تأمین مالی و آثار آن بر روی بازده و ریسک شرکت منابعی را انتخاب کند که باعث به حداقل رساندن هزینه‌های تأمین مالی گردد. ترکیب مناسب منابع تأمین مالی با خصوصیات هم‌چون هزینه سرمایه اندک و نرخ بازده بیشتر همراه است. بررسی مطالعات پیشین نشان می‌دهد اکثر مطالعات روش‌های تأمین مالی و تاثیر آن بر بازده روی مواردی چون ارتباط بین گزینش منابع تأمین مالی و بازده شرکت‌ها، ارجحیت منابع برون سازمانی تأمین مالی به منابع درون سازمانی و یا برعکس، رسیدن به یک ساختار مطلوب سرمایه و ارتباط بین ساختار سرمایه و ریسک تأکید داشته‌اند [۱]. اطلاعات مربوط به سود هر سهم (EPS) و سود تقسیمی هر سهم (DPS) به طور وسیع در ارزیابی بازده سهام و قیمت سهام مورد استفاده قرار می‌گیرد [۳]. سیل عظیم رسوایی شرکت‌ها در سال‌های اخیر نقش حاکمیت شرکتی را در نظارت موثر بر